

دانشگاه‌های حکمت بنیان

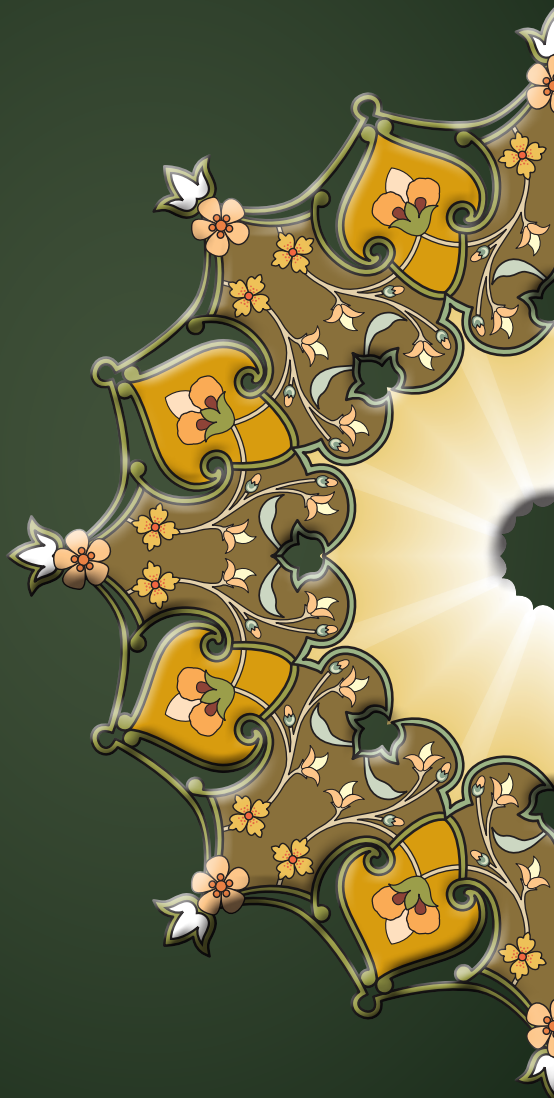
# از عقلانیت تا حکمت

دکتر شهرام یزدانی  
دکتر مریم قائمی امیری



وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی  
سازمان آموزش عالی  
مرکز ملی تحقیقات راهبردی آموزش پزشکی

زمستان ۱۴۰۰





السلامة

**عنوان:** دانشگاه‌های حکمت بنیان؛ کتاب اول؛ از عقلانیت تا حکمت  
**نام مرکز:** مرکز ملی تحقیقات راهبردی آموزش پزشکی  
**نویسندگان:** دکتر شهرام یزدانی، دکتر مریم قائمی امیری  
**سال:** ۱۴۰۰



## دانشگاه‌های حکمت بنیان؛ کتاب اول؛ از عقلانیت تا حکمت

**نویسندگان:** دکتر شهرام یزدانی، دکتر مریم قائمی امیری  
**صفحه آرا:** لیلا شرافتی  
**تاریخ انتشار:** ۱۴۰۰  
**نشانی:** تهران، خیابان ولیعصر (عج)، بالاتر از چهارراه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، خیابان سعیدی، پلاک ۶۵  
**تلفن:** ۰۲۱-۲۶۲۹۲۴۶۴  
**فابیر:** ۰۲۱-۲۶۲۹۲۴۸۲

© حقوق معنوی این محصول متعلق به مرکز ملی تحقیقات راهبردی آموزش پزشکی (نصر) است.  
استفاده از این محصول با ذکر منبع بلامانع است.

دانشگاه‌های حکمت بنیان

# از عقلانیت تا حکمت

دکتر شهرام یزدانی  
دکتر مریم قائمی امیری



وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی  
معاونت آموزشی  
مرکز ملی تحقیقات راهبردی آموزش پزشکی

زمستان ۱۴۰۰



## فهرست مطالب

۶	پیشگفتار.....
۸	مقدمه: حکمت و ارکان اصلی آن.....
۱۲	فصل اول: تعقل و فعل حکیمانه.....
۱۶	الف- تفکر:.....
۱۶	ب- تدبیر.....
۱۷	ج- تفقه.....
۱۸	د- تأمل.....
۱۸	ه- تعقل.....
۲۰	فصل دوم: معرفت و زمینه حکمت.....
۲۴	الف- معرفت علمی.....
۲۴	ب- معرفت الهی.....
۲۵	ج- معرفت فلسفی.....
۲۶	د- معرفت عرفانی.....
۲۸	فصل سوم: حلم و استحقاق حکمت.....
۳۰	ذکر.....
۳۱	تدبیر در قرآن.....
۳۲	تقوا.....
۳۲	عبرت.....
۳۳	زهد.....
۳۴	اخلاص.....
۳۴	حب اهل بیت و ولایت ائمه.....
۳۶	فصل چهارم: پیامدهای شکل‌گیری حکمت.....
۳۷	بصیرت.....
۳۷	تمیز خیر از شر.....
۳۸	تشخیص حق از باطل.....
۳۹	شناخت مصلحت.....
۳۹	تدبیر.....
۴۰	فصل پنجم: خیر کثیر صاحبان حکمت.....
۴۳	نقش صاحبان حکمت در تمدن آرمانی.....



# پیشگفتار



احادیث شیعه حکمت را گمگشته مومن می‌داند و بر اساس این احادیث، تنها مومن استحقاق حکمت را دارد. در حکومت اسلامی انتظار می‌رود که دانشگاه‌های کشور «حکمت بنیان» و «حکمت گستر» باشند. از سال ۱۳۸۹ که موضوع دانشگاه‌های حکمت بنیان برای اولین بار در نشست مقام معظم رهبری مدظله‌العالی با اساتید دانشگاه‌ها مطرح گردید، فعالیت‌هایی در زمینه حرکت دانشگاه‌ها در جهت این آرمان صورت گرفته است. در سال ۱۳۹۳ مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تک‌نگاشتی با عنوان «دانشگاه حکمت بنیان؛ قلب الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» منتشر نمود<sup>(۱)</sup>. در سال ۱۳۹۶ کارگروه تدوین سند دانشگاه حکمت بنیان، در شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل شد و در جلسه ۲۵۸ کمیسیون علمی و فناوری دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، «سند راهبرد عملی دانشگاه اسلامی؛ حکمی کردن دانشگاه‌ها» گزارش گردید. در پاییز ۱۳۹۶ گزارشی با عنوان «تدوین سند دانشگاه حکمت بنیان؛ از مبانی نظری تا راهبردی» که به سفارش شورای عالی انقلاب فرهنگی و توسط دانشگاه تهران انجام شده بود، توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی منتشر گردید. از مهر ماه سال ۱۳۹۹، توسعه دانشگاه‌های حکمت بنیان به عنوان بخشی از برنامه تحول مورد انتظار دانشگاه‌های علوم پزشکی، در دستور کار معاونت آموزشی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی قرار گرفت. و تحقق این مهم در اسفندماه ۱۳۹۹ بطور رسمی از وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی به مرکز ملی تحقیقات راهبردی آموزش پزشکی سپرده شد. در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۰، چارچوب کلی کلان پروژه دانشگاه حکمت بنیان در شورای عالی مرکز ملی تحقیقات راهبردی آموزش پزشکی مصوب گردید. این کلان پروژه شامل مراحل مفهوم سازی، نظریه پردازی، مدل سازی، بسط گفتمان، هدف گذاری، تدوین راهبردهای عملیاتی و تمهید اجرای گذار به سمت دانشگاه‌های حکمت بنیان می‌باشد. این مکتوب گزارش اول این کلان پروژه محسوب می‌شود. در این گزارش مفهوم حکمت به اختصار و در چارچوب یک نقشه مفهومی مورد بحث قرار می‌گیرد.

(۱) دکتر مهدی فاتح راد، محمدحسین نقوی: دانشگاه حکمت بنیان قلب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۳ انتشارات مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت





مقدمه:  
حکمت  
وارکان اصلی آن



رسول اکرم (ص) حکمت را گمشده مومن نامیده اند و آنرا سزاوار مومن دانسته اند<sup>(۱)</sup>. کلمه "حکمه" پنج بار در قرآن کریم تکرار شده است<sup>(۲)</sup>. علاوه بر آن کلمه "لُبُّ" با معنای مشابه حکمه و مشتقات آن ۱۶ بار در قرآن کریم به کار رفته است<sup>(۳)</sup>. قرآن کریم، صاحبان حکمت را "اولی الالباب" نامیده است. "اولو الالباب" به معنی صاحبان عقل، اندیشه، درک و دارای بینایی جان است، این واژه در مقابل جاهلان، نادانان و کوردلان در پذیرش حق معنی پیدا می‌کند. در آیات قرآن کریم و احادیث شیعه به کرات بر اهمیت حکمت و جایگاه صاحبان حکمت (اولوالباب) تأکید شده است. فضایل زیر برای صاحبان حکمت بیان شده است:

الف- خداوند پندهای خود را برای اهل حکمت فرو می‌فرستد<sup>(۴)</sup>.

ب- تذکر خدا تنها به کار صاحبان حکمت می‌آید زیرا در آن تفکر می‌کنند<sup>(۵)</sup>.

ج- صاحبان حکمت اهل تهجد و عبادت می‌باشند<sup>(۶)</sup>.

د- صاحبان حکمت به تقوای خداوند و رستگاری نزدیک‌ترند<sup>(۷)</sup>.

ه- صاحبان حکمت راز احکام را می‌فهمند<sup>(۸)</sup>.

(۱) رسول الله صلى الله عليه وآله: كلمة الحكمة ضالة المؤمن، فحيث وجدها فهو أحقُّ بها. (بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۹). پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: سخن حکیمانه، گمشده مؤمن است، پس هر جان را بیابد به آن سزاوارتر است.

(۲) سوره آل عمران آیه ۸۱، سوره قمر آیه ۵، سوره کهف آیه ۲۶، سوره بقره آیه ۲۶۹، و سوره نمل آیه ۷۸

(۳) سوره بقره آیه ۱۷۹، سوره یوسف آیه ۱۱۱، سوره مائده آیه ۱۰۰، سوره طلاق آیه ۱۰، سوره بقره آیه ۲۶۹، سوره بقره آیه ۱۹۷، سوره آل عمران آیه ۱۹۰، سوره غافر آیه ۵۴، سوره ص آیه ۴۳، سوره ص آیه ۲۹، سوره ابراهیم آیه ۵۲، سوره زمر آیه ۲۱، سوره زمر آیه ۱۸، سوره زمر آیه ۹، سوره رعد آیه ۱۹، و سوره آل عمران آیه ۷

(۴) يُوتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذْكُرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (بقره ۱۶۸)، هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَيُلْعَلُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذْكُرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (ابراهيم ۵۲)، أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا (طلاق ۱۰)

(۵) هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذْكُرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (آل عمران ۷)، كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (ص ۲۹)

(۶) أَمَنْ هُوَ قَانِتٌ أَنَاءَ اللَّيْلِ... إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (زمر، ۹)

(۷) الْحَجَّ أَشْهَرُ مَعْلُومَاتٍ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفْتٌ وَلَا فُسُوقٌ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَرَوُودُوا فَلْيَنْ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُوا يَا أُولِي الْأَلْبَابِ (بقره ۱۹۷)، قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ (مائده ۱۰۰)

(۸) وَ لَكُمْ فِي الْفُصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ (بقره، ۱۷۹)

و- صاحبان حکمت آینده‌نگر هستند<sup>(۱)</sup>.

ز- صاحبان حکمت دنیا را محل عبور و گذر می‌دانند نه توقف‌گاه و مقصد<sup>(۲)</sup>.

ح- صاحبان حکمت از تاریخ، درس عبرت می‌گیرند<sup>(۳)</sup>.

ط- صاحبان حکمت بهترین و برترین منطق را می‌پذیرند<sup>(۴)</sup>.

در اهمیت و جایگاه حکمت امام صادق (ع) می‌فرماید: «حکمت، نور معرفت و میراث تقوی و میوه‌ی راستی است. خداوند به بنده‌ای از بندگانش نعمتی بزرگتر، والاتر، استوارتر، زیباتر و گرانباتر از حکمت عطا نکرده است. خداوند عزوجل فرمود: يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ یعنی کسی آنچه را که من وعده داده و در حکمت فراهم نموده‌ام را نمی‌داند؛ جز آنکه او را برای خود خالص و حکمت را برای او مختص کرده‌باشم. حکمت، ثبات و استواری است و ویژگی حکیم، ثبات در ابتدا و پایداری در انتهای کارهاست و او بندگان خدا را به سوی خداوند متعال راهنمایی می‌کند»<sup>(۵)</sup>.

حکمت: حکمت توانایی درک و تشخیص است که شخص به وسیله آن می‌تواند حق و واقعیت را درک کند، مانع از فساد شود و کار را متقن و محکم انجام دهد. حکمت، صفت و کمالی است که خداوند تعالی به هر یک از بندگانش که بخواهد عطا می‌نماید. تعقل، معرفت و حلم ارکان اصلی این عطیه الهی می‌باشد.

(۱) تَرَوُّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَ اتَّقُونَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ (بقره، ۱۹۷)

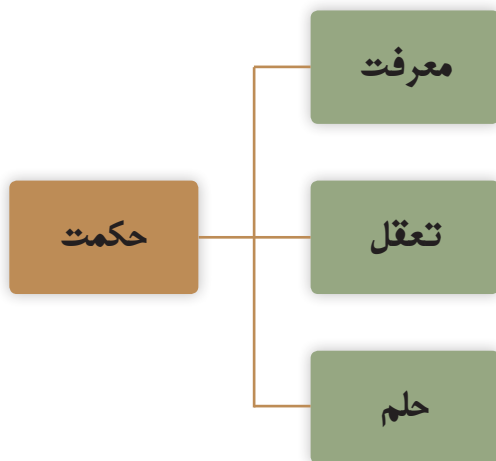
(۲) أُولُو الْأَلْبَابِ الَّذِينَ ... يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا (آل عمران، ۱۹۱)

(۳) لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ (يوسف، ۱۱۱)

(۴) الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ... وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُو الْأَلْبَابِ (زمر، ۱۸)

(۵) «الصادق (عليه السلام) - الْحِكْمَةُ ضِيَاءُ الْمَعْرِفَةِ وَ مِيرَاثُ التَّقْوَى وَ ثَمَرَةُ الصِّدْقِ وَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ عَبْدٍ مِنْ عِبَادِهِ نِعْمَةً أَنْعَمَ وَ أَعْظَمَ وَ أَرْفَعَ وَ أَجْزَلَ وَ أَبْهَى مِنْ الْحِكْمَةِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ أَيْ لَا يَعْلَمُ مَا أُودِعَتْ وَ هَيَّأَتْ فِي الْحِكْمَةِ إِلَّا مَنْ اسْتَخْلَصَتْهُ لِنَفْسِي وَ خَصَّصَتْهُ بِهَا وَ الْحِكْمَةُ هِيَ الثَّبَاتُ وَ صِفَةُ الْحَكِيمِ الثَّبَاتُ عِنْدَ أَوَائِلِ الْأُمُورِ وَ الْوُقُوفُ عِنْدَ عَوَاقِبِهَا وَ هُوَ هَادِي خَلْقِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى» (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۲، ص ۳۶۸)

علم، عقل و حلم را می‌توان پایه‌های شکل‌گیری حکمت دانست. به بیان دیگر فرد صاحب حکمت، معرفتی عمیق و گسترده از پدیده‌های جهان هستی دارد، به واسطه ارزش‌های درونی شده خود از کمال مطلوب این پدیده‌ها آگاهی دارد و با بکارگیری قوای عقلانی خود مسیر طی طریق به سوی این کمال مطلوب را شناسایی و حرکت در این مسیر را تدبیر می‌کند. معرفت زمینه ساز شکل‌گیری حکمت در فرد است، حلم استحقاق حکمت را رقم می‌زند و عقل محور فعل حکیمانه است.





فصل اول:  
تعقل و فعل  
حکیمانه



تعقل، ستون اصلی حکمت محسوب می‌شود و اصولاً فعل حکیمانه به شکل تعقل نمود پیدا می‌کند. به جرأت می‌توان گفت هیچ مکتبی به اندازه اسلام بر اهمیت و تأثیر تفکر و تعقل بر روی شکوفایی کمالات انسان تأکید نکرده است. در قرآن کریم کلمه "عقل" و مشتقات آن ۴۹ بار، کلمه "فکر" و مشتقات آن ۱۸ بار، و کلمه "تدبر" و مشتقات آن ۴ بار تکرار شده است<sup>(۱)</sup>. جایگاه رفیع تفکر و تعقل در جای جای کلام پیامبر اسلام (ص)<sup>(۲)</sup>، امیرالمومنین علی (ع)<sup>(۳)</sup> و احادیث شیعه<sup>(۴)</sup> موج می‌زند.

قرآن کریم در آیات مختلف به مقام والای متفکران و دانشمندان اشاره نموده<sup>(۵)</sup> و انسان را به تفکر در آفرینش دعوت کرده است<sup>(۶)</sup>. در بسیاری از آیات قرآن کریم برای پاسخ به منکران و مشرکین از استدلال عقلی استفاده شده است<sup>(۷)</sup> و در تشریح احکام الهی، فلسفه این احکام بیان شده است<sup>(۸)</sup>. تعابیری مانند "لعلهم یتفکرون"، "لعلکم تتفکرون"، "افلا تتفکرون"، "لقوم یتفکرون"، "افلا تعقلون"، "افلم تکنونوا تعقلون"، "لعلکم تعقلون"، "ان کنتم تعقلون"، "لقوم یعقلون"، "افلا یعقلون" بارها در قرآن کریم تکرار شده است. از امام صادق (ع) نقل شده است که یک ساعت فکر کردن، از یک سال عبادت بهتر است<sup>(۹)</sup>. بطور مشابه در احادیث دیگر فضیلت یک سال عبادت بیشتر از فضیلت شصت<sup>(۱۰)</sup> و یا هفتاد<sup>(۱۱)</sup> سال عبادت دانسته شده است.

۱) سیدمحمد حسینی بهشتی، شناخت از دیدگاه قرآن، نشر بقعه، چاپ دوم ۱۳۸۰

۲) مصطفی دلشاد تهرانی، سیره نبوی - منطق عملی، نشر دریا ۱۳۸۳

۳) سیدجواد سلیمانی گیلانی، حقیقت تفکر در نهج البلاغه (مبانی، موارد و ثمرات اندیشه‌ورزی از نگاه نهج البلاغه)، نشر اسماعیلیان ۱۳۹۴

۴) مرتضی رحیمی نژاد، جایگاه عقل در مبانی تفکر شیعه (پایاننامه کارشناسی ارشد) به راهنمایی دکتر علی احمد ناصح، دانشگاه قم، ۱۳۸۴

۵) سوره زمر آیه ۹، سوره مجادله آیه ۱۱ و سوره زمر آیه ۱۸

۶) سوره آل عمران آیه ۱۹۱ و سوره روم آیه ۸

۷) سوره هود آیه ۳۵، سوره انبیا آیه ۲۲ و سوره مؤمنون آیه ۹۱

۸) سوره عنکبوت آیه ۴۵، سوره بقره آیه ۱۸۳، سوره مائده آیه‌های ۶ و ۹۱ و سوره طه آیه ۱۴

۹) تفکر ساعه خیر من عباده سنه (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۲۷)

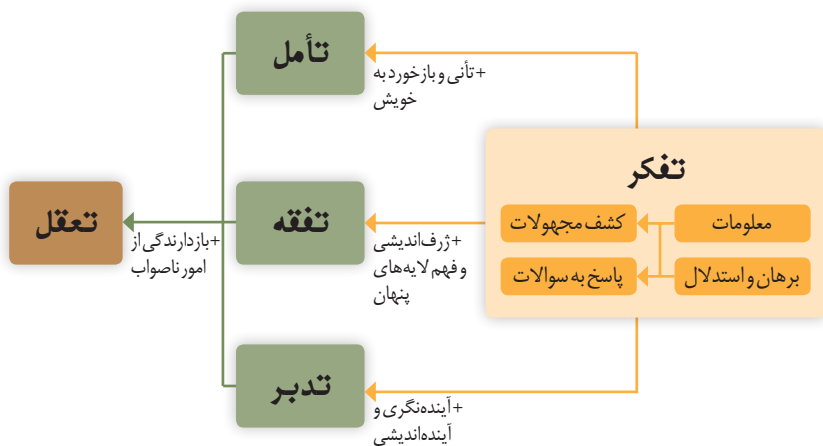
۱۰) در الرساله فی الاحادیث النبویه، ص ۱۷۸ به این نحو آمده است: قال النبی (ص): «تفکر ساعه خیر من عباده ستین سنه»

۱۱) حضرت امام رضوان الله تعالی علیه در چهل حدیث این‌طور نقل کرده‌اند: «تفکر ساعه خیر من عباده سبعین سنه».

از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که «خداوند میان بندگانش چیزی برتر از عقل تقسیم نکرد. خواب انسان عاقل، برتر از بیداری انسان جاهل است و خوردن شخص عاقل از روزه‌داری فرد جاهل با فضیلت‌تر است. خداوند هیچ پیامبری را فرو نفرستاد، مگر آن زمان که عقلش کامل گشت و عقل او از تمام عقول امتش برتر شد. و آنچه که پیامبر در درون خود پنهان می‌کند، برتر از اجتهاد و تلاش همه‌ی تلاشگران است و بنده‌ی واقعی به ادای واجبات نمی‌پردازد، مگر زمانی که نسبت به آن عقل و درک پیدا کرده‌باشد و انسان‌های عابد و زاهد با تمام عبادات خود به آنچه که عاقل با عقل خود از آن بهره‌مند شده است، بهره‌مند نگشتند. اینان اولو‌الالباب‌اند که خداوند تبارک و تعالی فرمود: وَمَا يَذَّكُرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»<sup>(۱)</sup>.

همانطور که پیش از این گفته شد تعقل یکی از سه رکن اصلی حکمت را تشکیل می‌دهد. برای آنکه بتوانیم درک دقیق‌تری از مفهوم حکمت و نحوه شکل‌گیری حکمت داشته باشیم ابتدا باید به تبیین مفهوم تعقل پردازیم. واژه‌های تفکر، تأمل، تدبیر، تفقه و تعقل از نظر معنایی شباهت زیادی با یکدیگر دارند و در بسیاری از متون به جای یکدیگر بکار گرفته می‌شوند. در این کتاب تلاش کرده‌ایم تا تفاوت معنایی این واژه‌ها شفاف گردد. چارچوب مفهومی زیر می‌تواند به فهم تفاوت‌های ظریف معنای این پنج واژه کمک نماید.

(۱) «الرسول (صلى الله عليه و آله) - مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ فَتَوْمُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ سَهْرِ الْجَاهِلِ وَإِطْطَارِ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ صَوْمِ الْجَاهِلِ وَإِقَامَةُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ شُحُوصِ الْجَاهِلِ وَلَا بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا وَلَا نَبِيًّا حَتَّى يَسْتَكْمَلَ الْعَقْلُ وَيَكُونَ عَقْلُهُ أَفْضَلَ مِنْ عُقُولِ جَمِيعِ أُمَّتِهِ وَمَا يَضْمُرُ النَّبِيُّ فِي نَفْسِهِ أَفْضَلَ مِنَ اجْتِهَادِ الْمُجْتَهِدِينَ وَمَا أَدَّى الْعَاقِلُ فِرَاطِ اللَّهِ حَتَّى عَقَلَ مِنْهُ وَلَا يَبْلُغُ جَمِيعَ الْعَابِدِينَ فِي فَضْلِ عِبَادَتِهِمْ مَا يَبْلُغُ الْعَاقِلُ إِنْ الْغَلَاءَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ.» (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۲، ص ۳۷۰)



همانطور که در تصویر مشخص است، در میان این پنج مفهوم، تفکر، مفهوم بنیادین محسوب می شود و مفاهیم تأمل، تفقه و تدبر هر یک با اضافه شدن یک صفت یا ویژگی به تفکر معنی پیدا می کنند. در این میان واژه تعقل به تنهایی معانی واژه های تأمل و تفقه و تدبر را شامل می شود و از این بابت کاملترین و وسیعترین معنی را دارا می باشد.



### الف- تفکر<sup>(۱)</sup>:

تفکر، جریانی از ایده‌ها و تداعی‌ها<sup>(۲)</sup> است که منجر به نتایج منطقی می‌شود. تفکر، فعالیت شناختی است که برای گونه انسان اهمیت و ارزش ماهوی دارد و به واسطه آن، انسان از سایر موجودات متمایز می‌گردد. تفکر سبب می‌شود انسان درک درستی از جهانی که تجربه می‌کند داشته باشد، تفسیر مناسبی برای رویدادها و اتفاقات این جهان داشته باشد، و رفتار جهان‌پیرامونی را در ذهن خود بازفماید و پیش‌بینی نماید<sup>(۳)</sup>.

تفکر: تفکر استفاده از قوای شناختی برای کشف مجهولات و پاسخ به سؤالات از طریق استناد به معلومات و بکارگیری دلایل و براهین است.

### ب- تدبیر<sup>(۴)</sup>

در شکل معمول تفکر، مجهولات و سوالات و شرایط حاکم بر کسب معرفت در مورد مجهولات و ارایه راه حل برای سوالات، شکلی ایستا دارد و با گذر زمان تغییر نمی‌کند. در بسیاری از موارد تفکر در مورد مسائلی صورت می‌گیرد که متغیرهای مسئله و شرایط محیطی و الزامات و مقتضیات حل مسئله در طول زمان تغییر می‌کند. در این موارد فرد باید وضعیت مسئله در آینده و راه حل بهینه بر اساس شرایط آتی مسئله را پیش‌بینی کند و یا عواقب و پیامدهای آتی حل مسئله در زمان حال را در نظر بگیرد<sup>(۵)</sup>. از این بابت می‌توان تدبیر را معادل آینده‌اندیشی

1) Thinking

2) Associations

۳) به گفته راغب اصفهانی فکر نیرویی است که علم را به سوی معلوم برد. (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ص ۶۴۳، ماده «فکر»، دارالعلم الدار الشامیة، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.)  
از دیدگاه فخرالدین طریحی تفکر مرکب از دو حرکت است، حرکتی به سوی مقدمات هر مطلب، سپس حرکتی از مقدمات به سوی نتیجه که مجموعه این دو حرکت سبب شناخت و معرفت اشیا می‌شود. (طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۲۲، ماده «فکر»، کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ ش.)

4) Strategic Thinking

۵) تقی پور، ولی‌الله، پژوهشی پیرامون تدبیر بر قرآن، قم انتشارات اسوه، ۱۳۷۱، چاپ اول، ص ۳۱.

و تفکر همراه با آینده نگری در نظر گرفت<sup>(۱)</sup>.

تدبر: تدبر شکل پیشرفته‌ای از تفکر است که با آینده‌نگری همراه است.

### ج- تفقه<sup>(۲)</sup>

ارایه راه حل برای برخی از مسایل مستلزم درک لایه‌های عمقی مسئله می‌باشد. پیچیدگی سازوکار علی‌ایجاد کننده مسئله، تعدد اهداف حل مسئله، تعدد ملاک‌های انتخاب راه حل بهینه، پویایی شرایط مسئله، برهمکنش شدید موضوع مسئله با محیط پیرامونی و تفاوت منظر ذینفعان مختلف در مورد راه حل مسئله همگی می‌توانند فرایند تفکر ساده را برای رسیدن به راه حل با شکست مواجه کنند. تفقه شکل پیشرفته‌ای از تفکر است که مستلزم بکارگیری مهارت‌های عالی تفکر برای تحلیل و حل مسایل پیچیده می‌باشد.

پیامبر (ص) در اهمیت تفقه و ارتباط آن با حکمت فرموده اند: «خداوند قرآن را به من عطا کرد و از حکمت نیز چیزی هم وزن و مثل قرآن، به من بخشید. هر خانه‌ای که در آن حکمت نباشد در واقع ویران است. عمیق در پی فهم باشید؛ تفقه نموده و بیاموزید و در جهالت نمرید»<sup>(۳)</sup>.

تفقه: تفقه تلاش برای کشف لایه‌های پنهان و پیچیده یک مسئله و ارایه پاسخ و راه‌حل بهینه با در نظر گرفتن این پیچیدگی می‌باشد.

(۱) از منظر آیت الله مکارم شیرازی، تدبر آن است که انسان با توجه به عواقب و نتیجه، در کارها می‌اندیشد. (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۸، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش.)

### 2) Deep Thinking

(۳) «الرسول (صلی الله علیه و آله) - إِنَّ اللَّهَ آتَانِي الْقُرْآنَ وَ آتَانِي مِنَ الْحِكْمَةِ مِثْلَ الْقُرْآنِ وَ مَا مِنْ بَيْتٍ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحِكْمَةِ إِلَّا كَانَ خَرَابًا أَوْ فَتَقَهُهُوا وَ تَعَلَّمُوا وَ لَا تَمُوتُوا جَهْلًا.» (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۲، ص ۳۷۰ نور الثقلین)

### د- تأمل<sup>(۱)</sup>

از ریشه «أمل» به معنای اندیشیدن و فکر کردن در امور و حقایق است که در طول یک زمان و مدت مشخص انجام می‌گیرد. طبیعتاً فردی که در مورد مسئله مهمی می‌اندیشد، برای رسیدن به پاسخ باید صبر و تحمل بیشتری داشته باشد و به واسطه اهمیت مسئله باید دائماً فرایند تفکر و حل مسئله را مورد بازبینی و بازنگری قرار دهد.

تأمل: تأمل شکلی از تفکر آگاهانه است که در آن فرد در سطحی بالاتر از فرایندهای شناختی (فراشناخت) کنترل فرایند فکری خود را به دست می‌گیرد و با بازبینی، بازخورد و بازنگری مداوم این فرایند، کیفیت تفکر خود را ارتقاء می‌بخشد.

### ه- تعقل<sup>(۲)</sup>

واژه عقل، در لغت به معنای امساک و منع و حبس نفس است و از آن جا که نیروی عقل انسان را از کارهای ناهنجار باز می‌دارد، عقل گفته می‌شود.<sup>(۳)</sup> واژه عقل در متون مختلف به معنای فهم، معرفت، علم، قوه و نیروی پذیرش علم، تدبّر و نیروی تشخیص حق از باطل و خیر از شر آمده است.<sup>(۴)</sup>

تعقل: تعقل به معنی باز داشتن اختیاری نفس از عدول از راه صحیح در هنگام تعارض و تراجم مصالح و مفاسد، و حسن و قبح امور و افعال، مبتنی بر تأمل، تفقه و تدبّر در امور می‌باشد.

1) Reflective Thinking

2) Intellection

۳) در اصل عقلال به معنی طنابی است که بر پای شتر می‌بندند تا حرکت نکند.

۴) در متون اسلامی از شکلی از تدبیر و اندیشه که بطور متداول در افرادی دین و یادشمنان دین وجود دارد با عنوان «نکرا» یاد می‌شود و این شکل از اندیشه ورزی از تعقل تفکیک می‌گردد.

## فصل اول: تعقل و فعل حکیمانه / ۱۹

عقل گاهی در حوزه «هست و نیست» به قضاوت می‌پردازد که به آن «عقل نظری» می‌گویند و گاهی در حوزه «بایدها و نبایدها» ورود پیدا می‌کند که به آن «عقل عملی» گفته می‌شود. عقل عملی خود دو سطح دارد. عقلی که به تدبیر امور زندگی و ارضای تمایلات دنیوی می‌پردازد عقل بدلی<sup>(۱)</sup> نامیده می‌شود و عقلی که با کنترل شهوات و تمایلات باطل، سعادت دنیوی و آخروی را برای انسان حاصل می‌کند «عقل ایمانی» نامیده می‌شود<sup>(۲)</sup>.



عقل نظری نیز چهار مرتبه دارد. در مرتبه اول که «عقل بالقوه» نامیده می‌شود زمینه کسب معرفت محقق شده است ولی هنوز هیچ گونه معرفت و آگاهی وجود ندارد. در مرتبه «عقل بالملکه» به واسطه حواس، تصورات و تصدیقات جزئی درک و ذخیره می‌شود و سپس عقل با قوه تجرید از این تصورات و تصدیقات، بدیهیات اولیه را انتزاع می‌کند. «عقل بالفعل» سرمایه بزرگی از معلومات و بدیهیات دارد

که می‌تواند در صورت لزوم آن را فراخوانده و تمامی معقولات نظری را از آن‌ها استنتاج نماید. کامل‌ترین مرحله عقل نظری «عقل مستفاد» است که در آن تمامی معقولات نظری و بدیهی به گونه ای بالفعل در نزد عقل حاضر و قابل مشاهده هستند.

(۱) از عقل بدلی با عناوین «عقل مصلحت‌اندیش»، «عقل حسابگر» و «عقل جزئی» نیز تعبیر شده است.

(۲) عقل ایمانی خود به «عقل متعارف» و «عقل برین (قدسی)» تقسیم می‌شود. در عقل متعارف، عاقبت‌اندیشی و عبرت‌آموزی و پیروی از اصول عقلانی بر محور مصالح فردی و جمعی وجود دارد؛ عقل قدسی، به معنای ذوب شدن در توحید است و مصلحت‌اندیشی در آن وجود ندارد.



فصل دوم:  
معرفت  
و زمینه حکمت



معرفت یکی از ارکان اصلی حکمت است. تعقل بدون معرفت مانند آسیابی که بدون گندم در حال گردش است بی ثمر است. تعقل بدون معرفت انسان را در گلوگاه‌های زندگی وامی‌گذارد. دین مبین اسلام بر کسب علم و معرفت تأکید بسیاری دارد. در قرآن مجید اشارات متعددی به اهمیت علم و علم‌اندوزی شده است:

- «بگو: آیا آنانی که می‌دانند با آنانی که نمی‌دانند برابرند؟<sup>(۱)</sup>»
  - «خدا که همواره به عدل قیام دارد گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست و ملائکه و صاحبان دانش نیز (شهادت می‌دهند)<sup>(۲)</sup>».
  - «خداوند کسانی را که ایمان آوردند و آنان را که علم داده شدند بسیار بلندمرتبه می‌فرماید<sup>(۳)</sup>».
  - «از میان بندگان او تنها دانشمندان خشیت الهی دارند، بی‌شک خداوند، عزیز و آمرزنده است<sup>(۴)</sup>».
  - «آن کس که به وسیله قلم آموخت، آموخت به انسان آنچه را که نمی‌دانست<sup>(۵)</sup>».
- در احادیث پیامبر اکرم (ص) نیز توصیه‌های فراوانی به کسب علم و معرفت شده است:
- «تحصیل دانش بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است<sup>(۶)</sup>».
  - «برتری دانشمند بر عابد همانند برتری نور ماه در شب بدر بر نور ستارگان است<sup>(۷)</sup>».
  - «آن که در راهی رود که در آن طلب علم کند، خداوند برایش راهی را به سوی بهشت آسان می‌کند. همانا فرشتگان به واسطه رضایتی که از کارش دارند، بالهای خود را

(۱) «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (آیه ۹ سوره زمر)

(۲) «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ» (آیه ۱۸ سوره آل عمران)

(۳) «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (آیه ۱۱ سوره مجادله)

(۴) «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ» (آیه ۲۸ سوره فاطر)

(۵) «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (آیه ۵ سوره علق)

(۶) «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ» (تنبيه الخواطر جلد ۲ صفحه ۱۷۶)

(۷) «فضل العالم على العابد كفضل القمر على سائر النجوم ليلة البدر» (الكافي، ج ۱، ص ۳۴).

برای طالب علم می‌گسترانند و همه کسانی که در زمین و آسمان‌اند، حتی ماهی‌ها در آب، برای عالم آموزش می‌طلبند.<sup>(۱)</sup>»

امام صادق (ع) در رابطه با جایگاه عالم می‌فرماید:

• «يك عالم برتر از هزار عابد و هزار زاهد است»<sup>(۲)</sup>.

در اینجا ضرورت دارد تعریفی از معرفت ارایه کنیم. عقل هر انسان بر درستی برخی از مسایل صحه می‌گذارد. تصدیق عقل بر صحت یک موضوع را باور<sup>(۳)</sup> می‌نامیم. باورهای انسان یا از جنس باورهای اعتقادی هستند و یا در گروه باورهای علمی طبقه بندی می‌شوند. اعتقادات یا باورهای اعتقادی بخشی از باورهای ما هستند که صحت آن‌ها نیازمند توجیه نمی‌باشد، درمقابل، معارف بخشی از باورهای ما را تشکیل می‌دهد که صحت آن‌ها بواسطه توجیهاات قابل پذیرش برای ما محرز می‌گردد. در این کتاب معرفت را معادل "باور صادق موجه"<sup>(۴)</sup> و امری فراتر از دانش می‌دانیم<sup>(۵)</sup> و منشأ موجه بودن باور را فراتر از حس و تجربه در نظر می‌گیریم<sup>(۶)</sup>.

در این گفتار معارف در چهار دسته معرفت علمی، معرفت الهی، معرفت فلسفی و معرفت عرفانی مورد بحث قرار می‌گیرند. هر یک از این چهار دسته، روش‌های کسب معرفت و توجیه صدق باور خاص خود را دارند.<sup>(۷)</sup>

(۱) «مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَطْلُبُ فِيهِ عِلْمًا سَلَكَ اللَّهُ بِهِ طَرِيقًا مِنْ طُرُقِ الْجَنَّةِ، وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أُنْحُوتَهَا لِطَالِبِ الْعِلْمِ رَضًى لَهُ وَإِنَّهُ لَيَسْتَفْعِرُ لَطَالِبِ الْعِلْمِ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ حَتَّى الْخَوْتُ فِي الْبَحْرِ» (روضه الواعظین، جلد ۱، ص ۸)

(۲) «عَالِمٌ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ وَ أَلْفِ زَاهِدٍ» (تحف العقول: ۳۶۴)

### 3) Conviction

### 4) Justified True Conviction

(۵) به نظر نگارنده عبارت "Justified True Belief" که بطور متداول بکار برده می‌شود در درون خود تناقض دارد، زیرا در تعریف واژه اعتقاد یا Belief (بر خلاف معارف) عدم نیاز به توجیه مورد تاکید قرار می‌گیرد از اینرو نگارنده عبارت "Justified True Conviction" را عبارت مناسبتری برای معرفت می‌داند.

(۶) هر سه رکن معرفت کاملاً ضروری هستند. نفی رکن اول معرفت یعنی باور (یقین یا ظن اطمینان آور) منجر به شکاکیت معرفتی می‌شود، انکار رکن دوم معرفت یعنی صدق (مطابقت با واقع) منتهی به کثرت گرابی معرفتی می‌شود و نفی رکن سوم یعنی توجیه (ارایه دلیل برای صدق باور) منجر به نسبی گرا معرفتی می‌شود.

(۷) به نظر نگارنده نوآوری صورت گرفته در این کتاب و باز ترجمان مفهوم "باور صادق موجه" به مفاهیم "باور صادق مستند"، "باور صادق موثق"، "باور صادق مستدل" و "باور صادق منسجم" می‌تواند بین معارف علمی، الهی، فلسفی و عرفانی آشتی ایجاد کند و افق معرفت شناختی را در دانشگاه‌های حکمت بنیان گسترش دهد.

معرفت

معرفت علمی

معرفت الهی

معرفت فلسفی

معرفت عرفانی

توجیه صدق باور

باور صادق مستند

باور صادق موثق

باور صادق مستدل

باور صادق منسجم

شکل غالب استدلال

استقرایی

ارتباطی

قیاسی

استنباطی

روش کسب معرفت

روش علمی

فقه و کلام

جدل، اشراق، استدلال،

عرفان نظری

منشأ کسب معرفت

حس و تجربه

وحی و نقل

عقل و برهان

کشف و شهود



### الف- معرفت علمی

از منظر معرفت‌شناسی در فلسفه علم معاصر در جهان غرب، معرفت علمی یا دانش، موجه‌ترین شکل معرفت محسوب می‌شود. از دیدگاه اثبات‌گرایان و تجربه‌گرایان، حس و تجربه منشاء اصلی کسب معرفت علمی محسوب می‌شود و استفاده از روش علمی به این معرفت اعتبار می‌بخشد. شکل اصلی استدلال در کسب معرفت علمی استدلال استقرایی<sup>(۱)</sup> است. از این منظر "باور صادق موجه" به "باور صادق مستند"<sup>(۲)</sup> تقلیل پیدا می‌کند.

### ب- معرفت الهی

با عبور از قرون وسطی و آغاز جنبش رنسانس و عصر روشنگری، تقابل شدیدی بین علم و باورهای دینی پیش آمد. به نوعی که معارف الهی شبه علم یا علم کاذب نامیده شدند. این تقابل و تضاد پس از چندین قرن در دوران معاصر نیز به وضوح مشاهده می‌شود و این در حالی است که بسیاری از دانشمندان با اعتقادات الهی بر ضرورت چارچوبی معرفت‌شناختی که جایگاه معرفت علمی و الهی را در کنار هم مشخص کند تاکید دارند. معرفت الهی بخشی اساسی از رکن معرفتی یک حکیم محسوب می‌شود.

امام صادق (ع) فرمودند «حکمت عبارت است از شناخت و پژوهش در دین پس هرکدام از شما که در دین کاوش کند، حکیم است و مرگ هیچکدام از مؤمنین به اندازه‌ی مرگ یک فقیه برای شیطان دوست داشتنی نیست»<sup>(۳)</sup>.

از آنجایی که مرجع معارف الهی با واسطه پیامبران و ائمه به خداوند می‌رسد، می‌توان مرجع معرفت را موثق‌ترین مرجع معرفت و مسیر انتقال معرفت (پیامبر، ائمه اطهار و اولیاء الله) را موثق‌ترین مسیر انتقال معرفت در نظر گرفت.

1) Inductive Reasoning

2) Evidence Based True Conviction

۳) «إِنَّ الْحِكْمَةَ الْمَعْرِفَةَ وَ التَّقِيَّةَ فِي الدِّينِ فَمَنْ فَفَهُ مِنْكُمْ فَهُوَ حَكِيمٌ وَ مَا أَحَدٌ يَمُوتُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَحَبَّ إِلَيَّ إِلَيْسَ مِنْ فَقِيهٍ.» (العباشی، ج ۱، ص ۱۵۱)

از آنجایی که توجیه صدق باور ما به معارف الهی و ثوق منبع و مجرای انتقال این معارف است می‌توان عبارت "باور صادق موجه" در معارف الهی را "باور صادق موثق"<sup>(۱)</sup> نامید.

شکل اصلی استدلال در کسب معرفت الهی، استدلال ارتباطی<sup>(۲)</sup> است. به بیان دیگر مسیر استدلال در صدد اثبات ارتباط معرفت با سرچشمه موثق معرفت از طریق علوم قرآن و حدیث<sup>(۳)</sup> می‌باشد.

### ج- معرفت فلسفی

بخش بزرگی از معارف بشر زاینده تفکر و استدلال عقلی انسان می‌باشد. در مورد اینکه حوزه‌هایی مانند فلسفه، منطق و ریاضیات علم محسوب می‌شود یا خیر اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد<sup>(۴)</sup>. معارف در این حوزه‌ها بصورت تجربی قابل اثبات نمی‌باشند و معمولاً در قالبی قیاسی از بدیهیات و احکام و مفروضات اولیه منتج می‌شوند.

از آنجایی که توجیه صدق معارف فلسفی به واسطه استدلال‌های محکم و قابل قبول می‌باشد، "باور صادق موجه" در این حوزه از معارف را می‌توان بصورت "باور صادق مستدل"<sup>(۵)</sup> بازخوانی کرد.

---

1) Cridble True Conviction

2) Connective Reasoning

(۳) مانند علم رجال، درایه الحدیث، فقه الحدیث و علم تفسیر

(۴) حوزه‌های ریاضیات، منطق و فلسفه عموماً به عنوان حوزه پیش علمی یا protoscience در نظر گرفته می‌شوند.

5) Reasonable True Conviction

### د- معرفت عرفانی

خداوند دانای مطلق است. قرآن مجید در آیات هشتم تا دهم سوره رعد می‌فرماید:

- «خدا جنین‌هایی را که هر انسان و حیوان ماده‌ای آبستن است، و آنچه را رحم‌ها می‌کاهند و آنچه را می‌افزایند، می‌داند؛ و هر چیزی نزد او اندازه معینی دارد»<sup>(۱)</sup>.
- «دانای نهان و آشکار و بزرگ و بلندمرتبه است»<sup>(۲)</sup>.
- «برای او یکسان است که کسی از شما گفتارش را پنهان کند یا آشکار سازد، و کسی مخفیانه در دل شب حرکت نماید یا در روز راه پیماید»<sup>(۳)</sup>.

این علم مختص خداوند متعال است و البته در مواردی خداوند حجاب و پرده را از روی برخی معارف بر می‌دارد و بخشی از علم بیکران خود را در اختیار بعضی از افراد قرار می‌دهد. معرفت حاصل از کشف و شهود با واسطه تجربه و استفاده از حواس پنجگانه نمی‌باشد و به نظر می‌رسد در این موارد خداوند چشم دل انسان را باز می‌نماید<sup>(۴)</sup>.

اگرچه در این کتاب از عبارت معرفت عرفانی استفاده شده است ولی نقش آفرینی کشف و شهود مختص عرفا نمی‌باشد و در واقع منشا بسیاری از معارف بشر در کشف و شهود ریشه دارد. به عبارت دیگر آنجایی که استدلال استنباطی<sup>(۵)</sup> در شکل‌گیری یک نظریه و یا پیشنهاد یک مکانیزم برای یک پدیده بکارگرفته می‌شود به نوعی کشف و شهود نقش آفرینی می‌کند<sup>(۶)</sup>. هنگامی که یک ایده جدید و جسورانه به ذهن یک فرد خطور می‌کند، میزان باورپذیری آن به توانایی آن ایده برای توجیه وضعیت، شرایط، و یا پدیده مورد نظر بازمی‌گردد. در واقع اگر این ایده بتواند بین تعداد زیادی از مشاهدات و واقعیات پل بزند و همه آنها را در یک قالب

(۱) «اللَّهُ يَخْتَلِفُ مَا يَحْمِلُ كُلُّ أُنْتَى وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ»

(۲) «عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ»

(۳) «سِوَاهُ مِنْكُمْ مَنْ أَسْرَ الْقَوْلِ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ»

(۴) آیت‌الله مکارم شیرازی در کتاب «پیام قرآن»، کشف و شهود را «راه یافتن به عالم ماورای حس، و مشاهده حقایق آن عالم با چشم درون، درست مانند مشاهده حسی، بلکه قوی‌تر، یا شنیدن آن زمزمه‌ها با گوش جان» تعریف کرده‌اند. در این کتاب کسب هرگونه معرفت حتی در رابطه با «جهان محسوس» بدون واسطه حواس پنجگانه را کشف و شهود در نظر گرفته‌ایم.

5) Abductive Reasoning

(۶) مثال معروف افتادن سیب و کشف نیروی جاذبه توسط نیوتن

مشخص و منسجم توجیه نماید، آن ایده توسط انسان پذیرفته می‌شود و یا حداقل بطور جدی به آن توجه می‌شود<sup>(۱)</sup>.

از آنجایی که همخوانی و انسجام این شکل از معرفت در نظام کلی معرفتی به آن اعتبار و اهمیت می‌دهد، برگردان "باور صادق موجه" در این شکل از معرفت را "باور صادق منسجم"<sup>(۲)</sup> نامیده‌ایم.

---

(۱) در این موارد حتی دانشمندان نیز بدون آنکه ایده را به سبب فقدان شواهد تجربی زیر سوال ببرند، مجذوب ایده می‌شوند و از آن حمایت می‌کنند. برای مثال تئوری نسبیت در فاصله سال‌های ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۹ هیچگونه شواهد تجربی نداشت و با تئوری ریسمان از زمان پیشنهاد آن در سال ۱۹۷۴ علیرغم فقدان شواهد تجربی تاکنون به عنوان یک نظریه مهم و جدی در نظر گرفته می‌شود.



فصل سوم:  
حلم و استحقاق  
حکمت



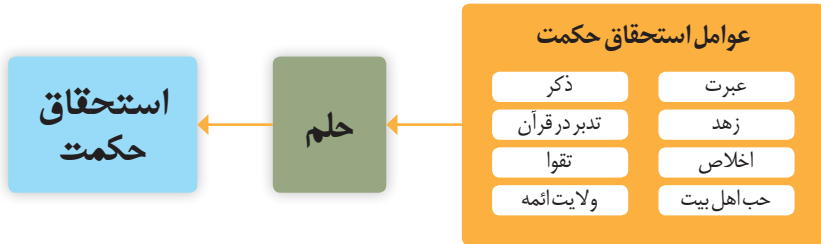
در قرآن و احادیث شیعه هر جا از علم صحبت شده است توصیه به تلاش برای "کسب" علم شده است در حالیکه در ادبیات اسلامی حکمت به عنوان یک "عطیه" که از سوی خداوند به بندگان خاصش عنایت می‌شود مورد اشاره قرار گرفته است. به عنوان مثال در آیه ۲۶۹ سوره بقره خداوند می‌فرماید: «خدا به هر کس که بخواهد (و او را شایسته ببیند) حکمت می‌بخشد»<sup>(۱)</sup>. همچنین پیامبر اسلام (ص) در رابطه با لقمان حکیم فرمود: «به حق می‌گویم که لقمان پیامبر نبود، ولی بنده‌ای بود که بسیار فکر می‌کرد، ایمان و یقینش عالی بود، خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و خداوند نعمت حکمت را به او عنایت فرمود»<sup>(۲)</sup>. به بیان دیگر اگر قابلیت و زمینه‌های لازم در انسان محقق شود فیض و اعطای حکمت از سوی خداوند حتمی است. پس اگر انسان به مقام حکمت نائل نمی‌شود، از این جهت است که شرایط را برای آن مقام در خود ایجاد نکرده است و استحقاق حکمت را دارا نمی‌باشد.

قرآن کریم در آیات ۲۰ تا ۲۲ سوره رعد ویژگی‌هایی را برای اولوا الالباب برشمرده است<sup>(۳)</sup>. در احادیث متعددی نیز به ویژگی‌هایی که سبب استحقاق حکمت می‌شود اشاره شده است. این ویژگی‌ها همان ویژگی‌هایی هستند که در کنار یکدیگر با عنوان «حلم» از آن یاد می‌شود و موجبات استحقاق حکمت از سوی انسان و اعطای حکمت از سوی خداوند را مهیا می‌سازند.

(۱) «بُؤْتَى الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ» (آیه ۲۶۹ سوره بقره)

(۲) «حقا اقول لم يكن لقمان نبيا ولكن عبدا كثيرا للتفكر، حسن اليقين، احب الله فاحبه، و من عليه بالحكمة» (مجمع البيان، ج ۸، ص ۳۱۵)

(۳) صاحبان حکمت به عهد و پیمان الهی که در روز الست با خداوند متعال بسته اند وفا می‌کنند: «الَّذِينَ يُؤْفِقُونَ بَعْدَ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ» (سوره رعد آیه ۲۰)؛ صاحبان حکمت پیوندهایی که خدا دستور به برقراری آن داده (پیوند با پیامبر و ائمه اطهار و اولیاء خدا) را برقرار می‌دارند: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» (سوره رعد آیه ۲۱)؛ صاحبان حکمت نسبت به پروردگار خود خشوع دارند و از وعده‌های عذاب پروردگار خود می‌ترسند: «وَوَيْحًا يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ» (سوره رعد آیه ۲۱)؛ صاحبان حکمت از سختی حسابرسی روز قیامت و از سیاهی دفتر اعمال خود بیم دارند: «وَوَيْحًا يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ» (سوره رعد آیه ۲۱)؛ صاحبان حکمت برای رضای پروردگار در برابر مشکلات و سختی‌های دنیوی صبر و شکیبایی می‌کنند: «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ» (سوره رعد آیه ۲۲)؛ صاحبان حکمت نمازهای واجب را بپا می‌دارند: «وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ» (سوره رعد آیه ۲۲)؛ صاحبان حکمت از آنچه به آنها روزی داده شده است، در پنهان و آشکار انفاق می‌کنند: «وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً» (سوره رعد آیه ۲۲)؛ صاحبان حکمت با انجام کارهای نیک، کارهای بد و گناه را دفع می‌کنند: «وَيَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ» (سوره رعد آیه ۲۲)؛



### ذکر

ذکر، یادکردن خدا و نعمت‌ها و آیات الهی است. ذکر را به دو قسم ذکر لفظی و ذکر قلبی تقسیم کرده‌اند. آرامش و اطمینان دل، ترس از خدا، علم و بصیرت، رستگاری، یادکردن خدا از انسان، زنده شدن دل، آموزش الهی، و بهشت از جمله آثار ذکر معرفی شده است.

ذکر خداوند موجب می‌شود چشم‌های انسان به سوی نادانسته‌ها و مجهولات باز گردد آنچنان که حضرت امیرالمومنین علی (ع) می‌فرماید:

- «خداوند سبحان، یاد خود را روشنی دل‌ها ساخت که به پرتو آن شنوا شوند، هرچند پیش از آن ناشنوا بوده‌اند، و بینا گردند، هرچند پیش از آن نابینا بوده‌اند»<sup>(۱)</sup>.
- «هرکس خدا را یاد کند، بصیر شود»<sup>(۲)</sup>.
- «اهل ذکر مردمانی هستند که یاد خدا را به جای دنیا برگزیده‌اند و تجارت و خرید و فروش، آنان را از آن مانع نشود. سراسر عمر را با یاد خدا گذرانند و نهی و منع خداوند را در آنچه حرام کرده به گوش غافلان می‌خوانند. مردم را به عدالت فرمان می‌دهند و خود به عدالت کار می‌کنند مردم را از کارهای زشت بازمی‌دارند و خود مرتکب آن نمی‌شوند گویی دنیا را طی کرده‌اند و به آخرت رسیده‌اند و اکنون در جهان آخرت‌اند

(۱) «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى جَعَلَ الذِّكْرَ جَلَاءً لِلْقُلُوبِ تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقْفَةِ وَ تُبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعَشْوَةِ»؛ (خطبه ۲۲۲ نهج البلاغه)

(۲) «مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ اسْتَبْصَرَ»؛ (منتخب الغرر، ص ۲۴).

و آنچه را که آن سوی دنیاست به عیان دیده‌اند»<sup>(۱)</sup>.

### تدبر در قرآن

تدبر در قرآن، تطبیق آیات با یکدیگر توأم با تفکر بر روی معنای آنها است. در اثر تدبر در آیات همسوئی و هماهنگی معانی و معارف آنها نمایان می‌شود و انسان به معانی اصیل و ناب آیات قرآن پی می‌برد. تدبر در قرآن سبب می‌شود درهای معرفت به سوی انسان باز شود. حضرت امیر المومنین علی (ع) می‌فرماید:

- «این قرآن کتاب خداست که با آن می‌توانید راه حق را بنگرید، و با آن سخن گوید، و به وسیله آن بشنوید»<sup>(۲)</sup>.
- «در آیات قرآن تدبر کنید و بدان‌ها پند گیرید که آنها رساترین پندها هستند»<sup>(۳)</sup>.
- همچنین در سوره نساء آمده است:
- «ای مردم! از سوی پروردگارتان برای شما برهان و حجتی آمده است و نوری روشنگر (همچون قرآن) را به سوی شما فرود آوردیم»<sup>(۴)</sup>.
- پیامبر (ص) درباره‌ی اینکه قرآن حکمت است فرموده‌اند: «از خصوصیات قرآن، اینست که عجائب آن به شماره نیاید و غرائب آن از بین نرود. چراغ هدایت و علامت روشن حکمت است»<sup>(۵)</sup>.

(۱) «وَإِنَّ لِلذِّكْرِ لَأَهْلًا أَحَدُوهُ مِنَ الدُّنْيَا بَدَلًا فَلَمْ تَشْعَلْهُمْ تِجَارَةٌ وَلَا تَبِيعَ عَنْهُ يَقْطَعُونَ بِهِ أَيَّامَ الْحَيَاةِ وَ يَهْتَفُونَ بِالرَّوَاغِرِ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ فِي أَسْمَاعِ الْعَافِلِينَ وَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ وَ يَأْتَمِرُونَ بِهِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يَتَنَاهَوْنَ عَنْهُ فَكَأَنَّمَا قَطَعُوا الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَ هُمْ فِيهَا فَشَاهِدُوا مَا وَرَاءَ ذَلِكَ» (خطبه ۲۲۲ نهج البلاغه)

(۲) «كِتَابُ اللَّهِ تُبْصِرُونَ بِهِ، وَ تَنْطِقُونَ بِهِ، وَ تَسْمَعُونَ بِهِ»؛ (خطبه ۱۳۳ نهج البلاغه)

(۳) «أَيَّاتِ الْقُرْآنِ وَ اعْتَبِرُوا بِهِ فَإِنَّهُ أْبْلَغُ الْعِبَرِ»؛ (شرح غرر الحکم، ج ۳، ص ۲۸۴)

(۴) «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا»؛ (آیه ۱۷۴ سوره نساء)

(۵) «الرسول (صلى الله عليه و آله) - وَ قَدْ ذَكَرَ الْقُرْآنُ: لَا تُحْصَى عَجَائِبُهُ وَ لَا تُبْلَى غَرَائِبُهُ. مَصَابِيحُ الْهُدَى وَ مَنَارُ الْحِكْمَةِ.» (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۲، ص ۳۶۶ نور الثقلین)



### تقوا<sup>(۱)</sup>

تقوا یا پرهیزکاری، به معنی خویشتن‌داری و دوری از گناهان و اطاعت از دستورات الهی است. قرآن تقوا را شرط نجات از آتش جهنم، قبولی اعمال، نزول برکات و رهایی از گرفتاری‌ها در دنیا می‌داند. تقوای خدا سبب می‌شود چشم انسان به سوی حقایق باز شود و انسان توان شناخت حق از باطل را بدست آورد. حضرت امیر المومنین علی (ع) می‌فرماید:

- «ای بندگان خدا از محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند، کسی است که او را در راه پیروزی بر نفسش یاری کرده است ... راه هدایت را با بصیرت دریافته و در آن گام نهاده و نشانه‌های این راه را به خوبی شناخته و از امواج متلاطم شهوات، گذشته است. از میان دستگیره‌های هدایت، به مطمئن‌ترین آنها چنگ زده و از رشته‌های نجات به محکم‌ترین آنها متمسک شده است. در مقام یقین حقایق را همانند نور آفتاب می‌بیند»<sup>(۲)</sup>.

- همچنین در سوره انفال آمده است:

- «ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر تقوای الهی پیشه کنید، خداوند برایتان فرقانی (قوّه شناخت حق از باطل) قرار می‌دهد»<sup>(۳)</sup>.

- پیامبر اسلام (ص) فرموده‌اند:

- «بالاترین حکمت و دانش، ترس از خداست»<sup>(۴)</sup>.

### عبرت

عبرت، به معنی درس گرفتن از تجربیات و مطالب مشهود و آشکار و شکل‌گیری معرفت عمیق و پنهان در فرد می‌باشد. دستیابی به بینش، بهره بردن از تجارب دیگران، مصونیت نسبی از خطا

1) Piety

(۲) «عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ مِنْ أَحَبِّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيْهِ عَبْدًا أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ ... فَذُ أَبْصَرَ طَرِيقَهُ وَ سَلَكَ سَبِيلَهُ وَ عَرَفَ مَنَارَهُ، وَ قَطَعَ غَمَارَهُ، وَ اسْتَمْسَكَ مِنَ الْعُرَى بِأَوْثِقِهَا، وَ مِنَ الْجِبَالِ بِأَمْتِنِهَا، فَهُوَ مِنَ الْيَقِينِ عَلَى مِثْلِ ضَوْءِ الشَّمْسِ»؛ (خطبه ۸۷ نهج البلاغه)

(۳) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»؛ (آیه ۲۹ سوره انفال)

(۴) «رَأْسُ الْحِكْمَةِ مَخَافَةُ اللَّهِ.» (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۲، ص ۳۶۸)

و استفاده بهینه از باقی عمر، از پیامدهای عبرت است. مومن به دنیا به دیده عبرت می‌نگرد و این عبرت سبب بصیرت او می‌شود. حضرت امیرالمومنین علی (ع) می‌فرماید:

- «هر که به دیده عبرت به آن (دنیا) نگریست او را بینا کرد، و هر کس به چشم خریداری به آن نظر نمود او را به نابینایی دچار ساخت»<sup>(۱)</sup>.
- «خدا رحمت کند کسی را که تفکر کند و عبرت گیرد، و پس از آن که عبرت گرفت بینا گردد»<sup>(۲)</sup>.
- «به راستی که در هر چیزی برای خردمندان و پندگیران، پند و عبرتی است»<sup>(۳)</sup>.
- «در هر پندی بینش و بصیرتی است»<sup>(۴)</sup>.

## زهد<sup>(۵)</sup>

زهد، به معنی بی‌رغبتی و دل‌نبستی به دنیا است. زاهد متاع دنیا را امانتی می‌داند که خداوند جهت آزمودن او در اختیارش قرار داده است و لذا فریب دنیا را نمی‌خورد و از داشتن آن مسرور و از دست دادن آن محزون نمی‌شود. نورانیت قلب، گشایش زبان به حکمت، آسان شدن گرفتاری‌ها، توجه به آخرت و مشتاق بودن به سرای ابدی، بریدن از غیر خدا و روی‌آوری به خدا از ثمرات زهد است. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

- «کسی که بدنیا زاهد و بی‌رغبت باشد، خدا حکمت را در قلبش بر جا دارد و زبانش را بآن گویا سازد، و او را به عیب‌های دنیا و درد و دوایش بینا گرداند، و او را از دنیا سالم بیرون کند و به بهشت دارالسلام درآورد»<sup>(۶)</sup>.

(۱) «وَمَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصَرَتَهُ، وَمَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتَهُ»؛ (خطبه ۸۲ نهج البلاغه)

(۲) «رَحِمَ اللَّهُ أَمْرَهُ تَفَكَّرَ فَاِعْتَبَرَ وَاعْتَبَرَ فَاِبْصَرَ»؛ (خطبه ۱۰۳ نهج البلاغه)

(۳) «أَنَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَعِبْرَةً لِدَوَى اللَّبِّ وَالْإِعْتِبَارِ»؛ (میزان الحکمه، جلد ۱۳، صفحه ۴۰۵۷، حدیث ۲۱۹۸۴)

(۴) «فِي كُلِّ إِعْتِبَارٍ اسْتِبْصَارٌ»؛ (غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۷۱)

## 5) Asceticism

(۶) «مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَثْبَتَ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَأَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ وَبَصَّرَهُ عُيُوبَ الدُّنْيَا دَاءَهَا وَدَوَاءَهَا وَأَخْرَجَهُ مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ»؛ (الکافی ج ۲، ص ۱۲۸)

همچنین حضرت امیرالمومنین علی (ع) می‌فرمایند:

- «چگونه خانه دنیا را توصیف کنم که ابتدای آن سختی و مشقت، و پایان آن نابودی است، در حلال دنیا حساب، و در حرام آن عذاب است، کسی که ثروتمند گردد فریب می‌خورد، و آن کس که نیازمند باشد، اندوهناک است، و تلاش‌کننده دنیا به آن نرسد، و به رهاکننده آن، روی آورد، کسی که با چشم بصیرت به آن بنگرد او را آگاهی بخشد و آن کس که چشم به دنبال دنیا دوزد، کوردلش می‌کند»<sup>(۱)</sup>.

### اخلاص<sup>(۲)</sup>

اخلاص، انجام دادن عمل تنها برای خدا و پاک کردن نیت از غیر خدا است. از نظر اسلام، بندگی مخلصانه زیربنای سعادت انسان است. از جمله آثار اخلاص می‌توان به بصیرت و نورانیت دل، خضوع، کفایت امر و درمانده نشدن در کارها، سعادت و کامیابی و کمال عبادت اشاره کرد. پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند:

- کسی که چهل شبانه روز با اخلاص عمل کند، خداوند چشمه‌های حکمت را در قلب او می‌جوشاند و بر قلم و زبانش جاری می‌کند<sup>(۳)</sup>.

### حب اهل بیت و ولایت ائمه

اهل بیت پیامبر و ائمه (ع) مصباح الهدی و چراغ فروزان هدایت هستند. حب این بزرگواران و تاسی و پیروی از آنان شرط لازم شکل‌گیری حکمت در انسان است.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند «آنکه جویای حکمت است، باید اهل بیت مرا دوست بدارد»<sup>(۴)</sup>.

(۱) «مَا أَصِفُ مِنْ دَارٍ أَوْلَاهَا عَنَاءٌ! وَ أَخْرَجَهَا فَنَاءٌ! فِي خَلَالِهَا حِسَابٌ، وَ فِي خَرَامِهَا عِقَابٌ. مَنْ اسْتَعْنَى فِيهَا فِتْنٌ، وَ مَنْ افْتَقَرَ فِيهَا حَزَنٌ، وَ مَنْ سَاعَاهَا فَاتَتْهُ، وَ مَنْ قَعَدَ عَنْهَا وَاتَتْهُ، وَ مَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصْرَتَهُ، وَ مَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتَهُ»؛ (خطبه ۸۲ نهج البلاغه)

2) Sincerity

(۳) «من أخلص لله أربعين صباحا فجر الله ينباع الحكمة من قلبه على لسانه» کسی که چهل شبانه روز با اخلاص عمل کند، خداوند چشمه‌های حکمت را در قلب او می‌جوشاند و بر قلم و زبانش جاری می‌کند. (بحار الأنوار، ج ۲۴۲، باب ۵۴)

(۴) «مَنْ أَرَادَ الْحِكْمَةَ فَلْيَحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي.» (بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۱۶)

امام صادق (ع) فرمودند «هرگاه علم صحیح خواستی، آن را از اهل بیت پیامبر (ص) بگیر. علم را به ما داده‌اند و حکمت و فصل الخطاب را برای ما تشریح کرده‌اند. خداوند ما را برگزیده و چیزی که به احدی در جهان نداده، به ما داده است»<sup>(۱)</sup>.

---

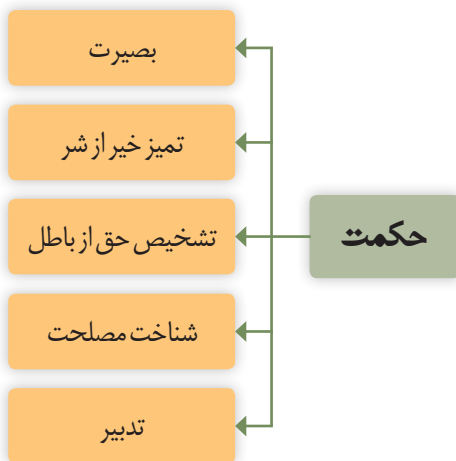
(۱) «إِذَا أَرَدْتَ الْعِلْمَ الصَّحِيحَ فَخُذْ عَنْ أَهْلِ الْبَيْتِ فَإِنَّا رَوَيْنَاهُ وَأَوْثَقْنَا شَرْحَ الْحِكْمِهِ وَفَضَلَ الْخِطَابِ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَانَا وَآتَانَا مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ.» (بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۵۸)



فصل چهارم:  
پیامدهای  
شکل‌گیری حکمت



حکمت یکی از بزرگترین نعمت‌هایی است که خداوند به فرد مومن اعطا می‌کند. به واسطه حکمت انسان بصیرت پیدا میکند و چشم‌های او بر روی حقایق گشوده می‌شود. فرد صاحب حکمت توانایی شناسایی خیر از شر و حق از باطل را پیدا می‌کند؛ مصلحت امور را در شرایط دشوار و پیچیده درمی‌یابد و امور را به سمت امر صلاح تدبیر می‌نماید.



### بصیرت<sup>(۱)</sup>

بصیرت ویژگی و صفتی در قلب انسان است که سبب شناخت و درک صحیح از شرایط و موقعیت‌ها می‌گردد و به واسطه آن انسان حقایق اشیا و امور را درک می‌کند همان‌گونه که به وسیله چشم، ظاهر اشیا را می‌بیند<sup>(۲)</sup>. کسی که بصیرت داشته باشد، در وضعیت‌های مبهم و پیچیده بینش درستی دارد و مسیر را اشتباه نخواهد پیمود.

### تمیز خیر از شر<sup>(۳)</sup>

تمیز خیر از شر همیشه برای انسان مقدور نیست زیرا این عاقبت امور است که خیر یا شر بودن آنها را مشخص می‌کند و انسان بسیاری از اوقات از عاقبت امور اطلاع ندارد. خداوند در قرآن مجید می‌فرماید:

1) Insight

۲) هاشمی رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن، ج ۶، ص ۲۶۳.

3) Good vs Evil

- « بسا چیزی را خوش ندارید و آن برای شما بهتر است، و بسا چیزی را دوست دارید و آن برای شما بدتر است، و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید<sup>(۱)</sup>».

امیرالمؤمنین (ع) در تعبیر زیبایی می‌فرماید:

- «خیر نیست آن چیزی که بعد از آن آتش جهنم باشد و شر نیست آن شری که بعد از آن بهشت باشد»<sup>(۲)</sup>.

و در روایت دیگری می‌فرماید:

- «خیر و شر معلوم نمی‌شود مگر بعد از آخرت، چرا که همانا خدای عز و جل همه خیر را در بهشت و همه شر را در جهنم قرار داده است چرا که این دو باقی خواهند بود»<sup>(۳)</sup>.

فردی که موهبت حکمت به او عطا شده است می‌تواند در امور مختلف خیر از شر را تشخیص دهد.

### تشخیص حق از باطل<sup>(۴)</sup>

تشخیص حق از باطل یکی از اساسی‌ترین چالش‌های زندگی انسان است و هر فردی در طول زندگی خود بطور مداوم با این مسأله روبرو می‌شود. همه انسان‌ها در شرایط مختلف موضع خود را حق و موضع طرف مقابل را باطل معرفی می‌کنند. در طول تاریخ حتی شرورترین افراد و در ناشایست‌ترین اعمال، خود را صاحب حق می‌دانند.

چه بسا افراد مومنی که در بزنگاه‌های تاریخ در تشخیص حق از باطل ناکام مانده‌اند و با ترک قافله حق به اردوگاه باطل پیوسته‌اند. فردی که موهبت حکمت به او عطا شده است می‌تواند حق را از باطل تشخیص دهد.

(۱) «عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (سوره بقره، آیه ۲۱۶).

(۲) «مَا خَيْرٌ بِخَيْرٍ بَعْدَهُ النَّارُ وَمَا شَرٌّ بِشَرٍّ بَعْدَهُ الْجَهَنَّمُ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۸۷).

(۳) «لَنْ تَرَى الْخَيْرَ وَالشَّرَّ إِلَّا بَعْدَ الْآخِرَةِ لِأَنَّ اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ جَعَلَ الْخَيْرَ كُلَّهُ فِي الْجَنَّةِ وَالشَّرَّ كُلَّهُ فِي النَّارِ لِأَنَّهُمَا الْبَاقِيَانِ» (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۸۴).

### شناخت مصلحت<sup>(۱)</sup>

ریشه لغوی مصلحت صَلَح (در برابر فَسَد) است مصلحت به آنچه حامل سود و نفع برای انسان یا جامعه باشد، اطلاق می‌گردد. مصلحت هم معنی ایجابی دارد و هم معنی سلبی دارد و لذا می‌توان گفت که مصلحت جلب منفعت و دفع ضرر یا مفسده است.

فرد صاحب حکمت می‌تواند در امور و شرایط مختلف از میان گزینه‌ها و راه‌حل‌های متعدد گزینه اصلح را شناسایی نماید.

### تدبیر<sup>(۲)</sup>

تدبیر، مستلزم دوراندیشی و قدرت پیش‌بینی آینده، چاره‌جویی و یافتن راه حل مناسب برای مشکلات و امور آینده و برنامه‌ریزی جهت دست‌یافتن به اهداف و آرمانهای تبیین‌شده برای آینده است. امیرالمومنین (ع) می‌فرماید:

- «تدبیر، نیمی از یاری است»<sup>(۳)</sup>.
- «بهترین دلیل بر فراوانی عقل، حسن تدبیر است»<sup>(۴)</sup>.
- «سوء تدبیر، موجب ویرانی و نابودی است»<sup>(۵)</sup>.

تدبیر بطور عمده ساحت تمهید و مدیریت عملیات را دارد و به این دلیل مفهوم آن به دنبال مفهوم شناخت مصلحت معنی پیدا می‌کند. به بیان دیگر فرد صاحب حکمت پس از شناسایی گزینه اصلح می‌تواند جریان امور را به سوی آن مدیریت نماید.

1) Expediency

2) Contrivance

(۳) «التَّدْبِيرُ نِصْفُ الْمَعُونَةِ» (غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۴۶۸)

(۴) «أَدْلُ شَيْءٍ عَلَى غَزَاةِ الْعَقْلِ حَسَنُ التَّدْبِيرِ» (غرر الحکم: ۳۱۵۱)

(۵) «سُوءُ التَّدْبِيرِ سَبَبُ التَّدْمِيرِ» (غرر الحکم: ۵۵۷۱)





فصل پنجم:  
خیر کثیر  
صاحبان حکمت



## فصل پنجم: خیر کثیر صاحبان حکمت / ۴۱

قران کریم می‌فرماید: «خداوند حکمت و بینش را به هر کس بخواهد می‌دهد و به هر کس حکمت داده شود، همانا خیری فراوان به او داده شده است و جز خردمندان از این نکته متذکر نمی‌گردند»<sup>(۱)</sup>.

این به آن معنی است که پیامدهای شکل‌گیری حکمت در فرد، تنها بصورت یک ظرفیت بالقوه باقی نمی‌ماند و حکیم با احساس مسئولیت کامل، تمام ظرفیت خود را برای خیررسانی به دیگران به فعل می‌رساند.



فرد حکیم با شناخت دقیق از شرایط و مقتضیات محیط و با درک درست از اهمیت و اولویت امور و مشکلات و شناخت کامل از ظرفیت خود در حل این مشکلات همواره خود را در جایگاهی قرار می‌دهد که عملکرد وی بیشترین تاثیر مثبت<sup>(۲)</sup> را بر افراد و محیط پیرامونی داشته باشد. به بیان دیگر یک حکیم همیشه در انتخاب بین مهم و مهمتر، امر مهمتر را بر می‌گزیند.

این به آن معنی است که حکیم برای آنکه بیشترین تاثیرات و منافع فرافردی را ایجاد نماید،

(۱) «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (آیه ۲۶۹ سوره بقره)

خود را در جایگاه نقش‌های فرادستی<sup>(۱)</sup> قرار می‌دهد و با استفاده تمام و کمال از ظرفیتی که خداوند در وجودش به ودیعه گذاشته است در نقش‌های فرادستی از خود عملکردی درخشان و استثنایی<sup>(۲)</sup> بروز می‌دهد و به واسطه عملکرد استثنایی در جایگاه نقش‌های فرادستی، بیشترین منفعت را عاید سایر افراد می‌کند.

البته خیر کثیر صاحب حکمت تنها در بعد بیرونی و در ارتباط با سایر افراد معنی پیدا می‌کند و در برخی از احادیث خیر کثیر متوجه فرد صاحب حکمت دانسته شده است. به عنوان مثال در حدیثی آمده است که «شناخت امیرالمؤمنین (ع) و امامان (ع) حَیْرًا کَثِیرًا است»<sup>(۳)</sup>. همچنین امام صادق (ع) فرموده‌اند:

- «مراد از خیر کثیر در أُوتِیَ حَیْرًا کَثِیرًا اطاعت خدا و معرفت امام (ع) است»<sup>(۴)</sup>.
- «منظور از خیر زیادی که به او داده شده، شناختن امام (ع) و دوری‌گزیدن از گناهان بزرگی است که خدا آتش دوزخ را بر انجام‌دهنده‌ی آن‌ها واجب و لازم گردانیده است»<sup>(۵)</sup>.

در این موارد به نظر می‌رسد خیر کثیر در بعد معنوی آن و به واسطه بالاترین سطح شناخت و پیروی مطلق از امام (ع) معنی پیدا می‌کند.

(۱) نقش‌های فرادستی به نقش‌های حرفه‌ای اطلاق می‌شود که عملکرد فرد در آنها تاثیرات فرافردي گسترده‌ای را در حوزه‌های مربوطه به دنبال دارد. نقش‌هایی مانند فیلسوف، نظریه‌پرداز، رهبر، طراح سیستم، سیاستگذار، سیاست‌ساز، مدیر ارشد، پژوهشگر برجسته، و کارآفرین موفق از جمله نقش‌های فرادستی محسوب می‌شوند.

2) Talent

(۳) «علی بن ابراهیم (رحمة الله علیه) - الحَیْرُ الكَثِیرُ مَعْرِفَةُ امیر المؤمنین (ع) وَ الاَیْمَةُ» (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۲، ص ۳۶۶)

(۴) «فَقَدْ أُوتِیَ حَیْرًا کَثِیرًا فَقَالَ طَاعَةَ اللَّهِ وَ مَعْرِفَةَ الإِمَامِ.» (الکافی، ج ۱، ص ۱۸۵)

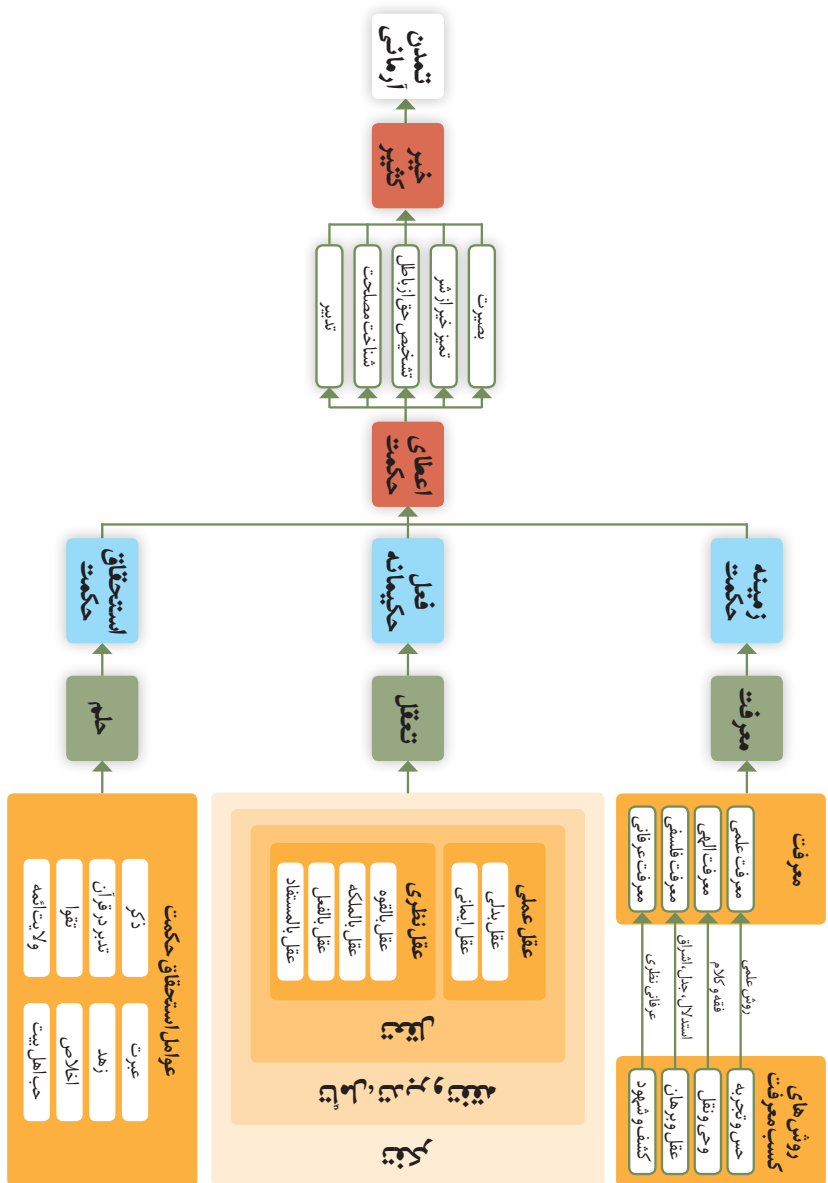
(۵) «فَقَدْ أُوتِیَ حَیْرًا کَثِیرًا قَالَ مَعْرِفَةَ الإِمَامِ وَ اجْتِنَابَ الكَبَائِرِ الَّتِیْ أُوجِبَ اللَّهُ عَلَیْهَا النَّارَ.» (وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۱۵)

### نقش صاحبان حکمت در تمدن آرمانی

در بُعد حکمرانی می‌توان تصور نمود در مملکتی که مدیران و سیاستگذاران آن حکمای خدمت‌سالاری<sup>(۱)</sup> هستند که مبتنی بر علم و حلم و عقل کشور را اداره می‌کنند، همه امور کشور به درستی تمهید می‌گردد و از عملکرد حاکمیت بیشترین منافع متوجه مردم می‌شود. به بیان دیگر برآیند تاثیر عملکرد حکمای یک کشور می‌تواند آن کشور را به یک مدینه فاضله و تمدن آن کشور را به یک تمدن آرمانی تبدیل نماید.

---

(۱) واژه خدمت‌سالار، واژه‌ای است که نگارنده حدود بیست سال قبل به عنوان برگردان فارسی کلمه steward انتخاب کرده بود. این واژه به افرادی اشاره دارد که بادرک درست از ظرفیت بالای خداداد خود و توسعه صلاحیت‌های ضروری در جایگاه نقش‌های فرادستی یا "سالاری" قرار می‌گیرند ولی هدف آنها از این امر صرفاً "خدمت" به سایر بندگانشان باشد.



### نتیجه گیری:

در این کتاب چارچوب مفهومی ساده ای برای درک و تعریف سازه حکمت ارائه کرده ایم. بر اساس این چارچوب مفهومی علم، عقل و حلم پایه های شکل گیری حکمت محسوب می شوند. معرفت زمینه ساز شکل گیری حکمت در فرد است، حلم استحقاق حکمت را رقم می زند و عقل محور فعل حکیمانه است. همچنین بیان گردید که فرد صاحب حکمت، معرفتی عمیق و گسترده از پدیده های جهان هستی دارد، به واسطه ارزش های درونی شده خود از کمال مطلوب این پدیده ها آگاهی دارد و با بکارگیری قوای عقلانی خود مسیر طی طریق به سوی این کمال مطلوب را شناسایی و حرکت در این مسیر را تدبیر می کند. از این بابت تشخیص حق از باطل، تمیز خیر از شر، بصیرت، شناخت مصلحت و تدبیر امور را می توان از نتایج حکمت دانست که به واسطه آن فرد صاحب حکمت منشاء خیر کثیر برای خود و دیگران می شود. تجمیع تأثیرات مثبت افراد صاحب حکمت در یک جامعه، آن جامعه را به سوی آرمانشهر و مدینه فاضله رهنمون می سازد.

در گزارش های بعدی این پروژه، چارچوب مفهومی ارائه شده برای درک حکمت ابتدا در بُعد فردی مبنای شناخت حکما قرار می گیرد و به دنبال آن و در بُعد موسسه ای ساختار و کارکردهای دانشگاه حکمت بنیان مورد بحث و مذاقه قرار می گیرد.